

شب قدر در نگاه علامه طباطبائی

آنچه در پیش رو دارید بحثی پیرامون شب قدر بر اساس نظرات مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر شریف المیزان است که در دو سوره «قدر» و «دخان» مطرح گردیده است.



آنچه در پیش رو دارید بحثی پیرامون شب قدر بر اساس نظرات مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر شریف المیزان است که در دو سوره 171#& قدر& و 171#& دخان& مطرح گردیده است.

شب قدر یعنی چه؟

مراد از قدر، تقدیر و اندازه‌گیری است و شب قدر شب اندازه‌گیری است و خداوند متعال در این شب حوادث یک سال را تقدیر می‌کند و زندگی، مرگ، رزق، سعادت و شقاوت انسانها و اموری از این قبیل را در این شب مقدر می‌گرداند.

شب قدر کدام شب است؟

در قرآن کریم آیه‌ای که به صراحت بیان کند شب قدر چه شبی است دیده نمی‌شود. ولی از جمع‌بندی چند آیه از قرآن کریم می‌توان فهمید که شب قدر یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است. قرآن کریم از یک سو می‌فرماید: 171#& انا انزلناه فی لیله مبارکه. 171#& (دخان / 3) این آیه گویای این مطلب است که قرآن یکپارچه در یک شب مبارک نازل شده است و از سوی دیگر می‌فرماید: 171#& شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن. 171#& (بقره / 185) و گویای این است که تمام قرآن در ماه رمضان نازل شده است. و در سوره قدر می‌فرماید: 171#& انا انزلناه فی لیله القدر. 171#& (قدر/1) از مجموع این آیات استفاده می‌شود که قرآن کریم در یک شب مبارک در ماه رمضان که همان شب قدر است نازل شده است. پس شب قدر در ماه رمضان است. اما این که کدام یک از شب‌های ماه رمضان شب قدر است، در قرآن کریم چیزی بر آن دلالت ندارد. و تنها از راه اخبار می‌توان آن شب را معین کرد.

در بعضی از روایات منقول از ائمه اطهار علیهم السلام شب قدر مردد بین نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان است و در برخی دیگر از آنها مردد بین شب بیست و یکم و بیست و سوم و در روایات دیگری متعین در شب بیست و سوم است. (1) وعدم تعیین یک شب به جهت تعظیم امر شب قدر بوده تا بندگان خدا با گناهان خود به آن اهانت نکنند. پس از دیدگاه روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام شب قدر از شب‌های ماه رمضان و یکی از سه شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم است. اما روایات منقول از طرق اهل سنت به طور عجیبی با هم اختلاف داشته و قابل جمع نیستند ولی معروف بین اهل سنت این است که شب بیست و هفتم ماه رمضان شب قدر است (2) و در آن شب قرآن نازل شده است.

تکرار شب قدر در هر سال

شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و سالی که قرآن در آن نازل شد نیست بلکه با تکرار سالها، آن شب نیز تکرار می‌شود. یعنی در هر ماه رمضان شب قدری است که در آن شب امور سال آینده تقدیر می‌شود. دلیل بر این امر این است که: اولاً: نزول قرآن به طور یکپارچه در یکی از شب‌های قدر چهارده قرن گذشته ممکن است ولی تعیین حوادث تمامی قرون گذشته و آینده در آن شب بی معنی است.

ثانیاً: کلمه 171#& یفرق& در آیه شریفه 171#& فیها یفرق کل امر حکیم. 171#& (دخان / 6) در سوره دخان به خاطر مضارع بودنش، استمرار را می‌رساند و نیز کلمه 171#& تنزل& در آیه کریمه 171#& تنزل الملائکه والروح فیها باذن ربهم من کل امر& (قدر / 4) به دلیل مضارع بودنش دلالت بر استمرار دارد.

ثالثاً: از ظاهر جمله 171#& شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن. 171#& (بقره / 185) چنین برمی‌آید که مادامی که ماه رمضان تکرار می‌شود آن شب نیز تکرار می‌شود. پس شب قدر منحصر در یک شب نیست بلکه در هر سال در ماه رمضان تکرار می‌شود. در این خصوص در تفسیر برهان از شیخ طوسی از ابوذر روایت شده که گفت: به رسول خدا (ص) عرض کردم یا رسول الله آیا شب قدر شبی است که در عهد انبیاء بوده و امر به آنان نازل می‌شده و چون از دنیا می‌رفتند نزول امر در آن شب تعطیل می‌شده است؟ فرمود: 171#& نه بلکه شب قدر تا قیامت هست. 171#& (راکو)

عظمت شب قدر

در سوره قدر می‌خوانیم: 171#& انا انزلناه فی لیله القدر وما ادریک ما لیله القدر خیر من الف شهر. 171#& خداوند متعال

برای بیان عظمت شب قدر با این که ممکن بود بفرماید: 171#&؛ و ما ادريک ما هي هي خير من الف شهر؛ یعنی با این که می‌توانست در آیه دوم و سوم به جای کلمه 171#&؛ ليله القدر؛ ضمیر بیاورد، خود کلمه را آورد تا بر عظمت این شب دلالت کند. و با آیه 171#&؛ ليله القدر خير من الف شهر؛ عظمت این شب را بیان کرد به این که این شب از هزار ماه بهتر است. منظور از بهتر بودن این شب از هزار ماه، بهتر بودن از حیث فضیلت عبادت است. چه این که مناسب با غرض قرآن نیز چنین است. چون همه عنایت قرآن در این است که مردم را به خدا نزدیک و به وسیله عبادت زنده کند. و احیاء یا عبادت آن شب از عبادت هزار ماه بهتر است.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چگونه شب قدر از هزار ماه بهتر است؟ (با این که در آن هزار ماه در هر دوازده ماهش یک شب قدر است).

حضرت فرمود: 171#&؛ عبادت در شب قدر بهتر است از عبادت در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد. (4؛ raquo)

وقایع شب قدر

الف- نزول قرآن

ظاهر آیه شریفه 171#&؛ انا انزلناه فی ليله القدر؛ این است که همه قرآن در شب قدر نازل شده است و چون تعبیر به انزال کرده که ظهور در یکپارچگی و دفعی بودن دارد نه تنزیل، که ظاهر در نزول تدریجی است.

قرآن کریم به دو گونه نازل شده است:

1- نزول یکباره در یک شب معین.

2- نزول تدریجی در طول بیست و سه سال نبوت پیامبر اکرم (ص).

آیاتی چون 171#&؛ قرانا فرقناه لتقراه علی الناس علی مکث ونزلناه تنزیلا.؛ (اسراء / 106) نزول تدریجی قرآن را بیان می‌کند.

در نزول دفعی (و یکپارچه)، قرآن کریم که مرکب از سوره‌ها و آیات است یک دفعه نازل نشده است بلکه به صورت اجمال همه قرآن نازل شده است چون آیاتی که درباره وقایع شخصی و حوادث جزئی نازل شده ارتباط کامل با زمان و مکان و اشخاص و احوال خاصه‌ای دارد که درباره آن اشخاص و آن احوال و در آن زمان و مکان نازل شده و معلوم است که چنین آیاتی درست در نمی‌آید مگر این که زمان و مکانش و واقعه‌ای که درباره‌اش نازل شده رخ دهد به طوری که اگر از آن زمان‌ها و مکان‌ها و وقایع خاصه صرف نظر شود و فرض شود که قرآن یک باره نازل شده، قهراً موارد آن آیات حذف می‌شود و دیگر بر آنها تطبیق نمی‌کنند، پس قرآن به همین هیئت که هست دوبار نازل نشده بلکه بین دو نزول قرآن فرق است و فرق آن در اجمال و تفصیل است. همان اجمال و تفصیلی که در آیه شریفه 171#&؛ کتاب حکمت اياته ثم فصلت من لدن حکيم خبير.؛ (هود / 1) به آن اشاره شده است. و در شب قدر قرآن کریم به صورت اجمال و یکپارچه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و در طول بیست و سه سال به تفصیل و به تدریج و آیه به آیه نازل گردید.

ب- تقدیر امور

خداوند متعال در شب قدر حوادث یک سال آینده را از قبیل مرگ و زندگی، وسعت یا تنگی روزی، سعادت و شقاوت، خیر و شر، طاعت و معصیت و... تقدیر می‌کند.

در آیه شریفه 171#&؛ انا انزلناه فی ليله القدر؛ (قدر / 1) کلمه 171#&؛ قدر؛ دلالت بر تقدیر و اندازه‌گیری دارد و آیه شریفه 171#&؛ فیها یفرق کل امر حکيم.؛ (دخان / 6) که در وصف شب قدر نازل شده است بر تقدیر دلالت می‌کند. چون کلمه 171#&؛ فرق؛ به معنای جدا سازی و مشخص کردن دو چیز از یکدیگر است. و فرق هر امر حکیم جز این معنا ندارد که آن امر و آن واقعه‌ای که باید رخ دهد را با تقدیر و اندازه‌گیری مشخص سازند. امور به حسب قضای الهی دارای دو مرحله‌اند، یکی اجمال و ابهام و دیگری تفصیل. و شب قدر به طوری که از آیه 171#&؛ فیها یفرق کل امر حکيم.؛ برمی‌آید شبی است که امور از مرحله اجمال و ابهام به مرحله فرق و تفصیل بیرون می‌آیند.

ج- نزول ملائکه و روح

بر اساس آیه شریفه 171#&؛ تنزل الملائکه والروح فیها باذن ربهم من کل امر.؛ (قدر / 4) ملائکه و روح در این شب به اذن پروردگارشان نازل می‌شوند. مراد از روح، آن روحی است که از عالم امر است و خدای متعال درباره‌اش فرموده است 171#&؛ قل الروح من امر ربی.؛ (اسراء / 85) در این که مراد از امر چیست؟ بحث‌های مفصلی در تفسیر شریف المیزان آمده است که به جهت اختصار مبحث به دو روایت در مورد نزول ملائکه و این که روح چیست بسنده می‌شود.

1- پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی شب قدر می‌شود ملائکه‌ای که ساکن در 171#&؛ سدره المنتهی؛ هستند و جبرئیل یکی از ایشان است نازل می‌شوند در حالی که جبرئیل به اتفاق سایرین پرچم‌هایی را به همراه دارند.

یک پرچم بالای قبر من، و یکی بر بالای بیت المقدس و پرچمی در مسجد الحرام و پرچمی بر طورسینا نصب می‌کنند و هیچ مؤمن و

مؤمنه‌ای در این نقاط نمی‌ماند مگر آن که جبرئیل به او سلام می‌کند، مگر کسی که دائم الخمر و یا معتاد به خوردن گوشت خوک و یا زعفران مالیدن به بدن خود باشد. (5)

2- از امام صادق علیه السلام در مورد روح سؤال شد. حضرت فرمودند: روح از جبرئیل بزرگتر است و جبرئیل از سنخ ملائکه است و روح از آن سنخ نیست. مگر نمی‌بینی خدای تعالی فرموده: 171#&تنزل الملائكة والروح؛ پس معلوم می‌شود روح غیر از ملائکه است. (6)

د- سلام و امنیت

قرآن کریم در بیان این ویژگی شب قدر می‌فرماید: 171#&سلام هی حتی مطلع الفجر.؛ (قدر / 5) کلمه سلام و سلامت به معنای عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی است. و جمله 171#&سلام هی؛ اشاره به این مطلب دارد که عنایت الهی تعلق گرفته است به این که رحمتش شامل همه آن بندگان بشود که به سوی او روی می‌آورند و نیز به این که در خصوص شب قدر باب عذابش بسته باشد. به این معنا که عذابی جدید نفرستد. و لازمه این معنا این است که در این شب کید شیطان‌ها هم مؤثر واقع نشود چنانکه در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است.

البته بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از کلمه 171#&سلام؛ این است که در شب قدر ملائکه از هر مؤمن مشغول به عبادت بگذرند، سلام می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- مجمع البیان، ج 10، ص 519 .
- 2- تفسیر الدر المنثور، ج 6 .
- 3- تفسیر البرهان، ج 4، ص 488، ج 26 .
- 4- فروع کافی، ج 4، ص 157، ج 4 .
- 5- مجمع البیان، ج 10، ص 520 .
- 6- تفسیر برهان، ج 4، ص 481، ج 1.